

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:  
Kant's Aesthetic Critique in Experimental Aesthetics: A critical analysis  
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

## مقاله پژوهشی

# نقد زیباشناسی کانت در زیباشناسی آزمایشی: تحلیلی نقادانه

پریسا چنگیزی<sup>۱</sup>، حسینعلی نوذری<sup>۲\*</sup>، هادی صمدی<sup>۳</sup>

۱. دانشجوی دکتری فلسفه هنر، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

۳. استادیار گروه فلسفه، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۹/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵

## چکیده

بیان مسئله: از تأثیرگذارترین و مناقشه‌برانگیزترین نظریات کانت در زیباشناسی، که در کتاب «نقد قوه حکم» بیان شده، این است که داوری زیباشناختی را همزمان سوژکتیو، و برخوردار از اعتبار همگانی می‌داند. درعین حال کانت بر این نکته تأکید دارد که میان امر زیبا و امر مطبوع تفاوتی اساسی وجود دارد. این سؤال مطرح است که چگونه امری می‌تواند هم سوژکتیو باشد و هم برخوردار از اعتبار همگانی؟ و اینکه آیا تفاوت میان امر زیبا و مطبوع به روش تجربی قابل اثبات است؟

هدف پژوهش: هدف این پژوهش به طور اخص بررسی پرسش‌های مذکور از دیدگاه متفکران معاصر زیباشناسی آزمایشی است. برخی از متفکران این نحله به اعتبار همگانی داوری زیباشناختی و تفاوت میان امر زیبا و امر مطبوع نقدهایی وارد کرده و به شیوه آزمایشی و تجربی در ابطال آن کوشیده‌اند. درعین حال نیک زنگویل منتقد به نام و برجسته حوزه زیباشناسی در دفاع از نظر کانت روش‌های به کار گرفته شده در زیباشناسی آزمایشی را فاقد روایی و پایایی می‌داند.

روش پژوهش: این پژوهش با رویکردی کیفی به بررسی دو رویکرد تجربی کووا و زنگویل در خصوص زیباشناسی کانت می‌پردازد. در بخش اول به نحوی مختصر نظر کانت معرفی می‌شود. در بخش بعد برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های تجربی از جانب کووا که در نقد نظر کانت عرضه شده‌اند مطرح می‌شود. سپس نقدهای زنگویل بر کووا دسته‌بندی شده‌اند تا در بخش نهایی بتوان نقدهای او را تحلیل کرد.

نتیجه‌گیری: به نظر می‌رسد پژوهش‌های تجربی را می‌توان برای فهم بهتر زیباشناسی کانت به کار گرفت و بنابراین برخلاف نظر زنگویل زیباشناسی آزمایشی مکمل زیباشناسی سنتی است و نه تلاشی ناکام برای کنار نهادن آن.

**واژگان کلیدی:** کانت، داوری زیباشناختی، زیباشناسی آزمایشی، زنگویل، کووا.

## مقدمه

تلقى عقل‌گرایانه داوری زیبایی، استدلالی عقلانی است که با به‌کارگیری مفاهیم ممکن است (زنگویل، ۱۳۹۵، ۶۴). نظریه عقل‌گرایان در قرن هجدهم نظریه‌ای غالب بود و می‌پنداشتند زیبایی یک اثر را باید با اصول ریاضی ثابت کرد. در مقابل تجربه‌گرایان تأکید داشتند که داوری ناظر به زیبایی از راه استنتاج از اصول عقلانی یا مفاهیم صورت نمی‌گیرد؛ به عبارتی چون منتج نیست داوری‌ای بی‌واسطه و عاری از هرگونه علاقه است. کانت بعدها در «نقد قوه

قرن هجدهم مصادف بود با تقابل دو گرایش عقل‌گرایی و تجربه‌گرایی در حوزه مباحث مربوط به زیباشناختی. تجربه‌گرایان با پیش‌کشیدن اهمیت مفهوم ذوق در داوری زیباشناختی بیان داشتند که داوری در باب زیبایی بی‌واسطه و عاری از هرگونه علاقه است. درحالی که در

\* نویسنده مسئول: ۰۹۱۲۷۱۲۰۷۶۸@hoseinalinozari96@gmail.com

است. سپس بخش سوم به یکی از پاسخ‌هایی که از جانب زنگویل به این نقد وارد شده پرداخته می‌شود. بخش چهارم مقاله تلاشی است برای داوری میان منتقدان و موافقان.

### پژوهش‌های تجربی در خصوص ماهیت قضاوت زیباشناختی: نقدی بر کانت

گفته شد که کانت بر این نظر بود که قضاوت زیباشناختی اعتبار بینادهنی<sup>۵</sup> دارد به این معنا که قضاوت‌های زیباشناختی نه تنها برای خود فرد قضاوت‌کننده، بلکه برای همه انسان‌ها اعتبار دارد. اما اعتبار بینادهنی اصولاً برای احکامی مطرح است که منشأ ابژکتیو دارند و در مورد چنین احکامی می‌توان حکم به درست<sup>۶</sup> یا نادرست<sup>۷</sup> بودن داد. به عنوان نمونه وقتی می‌گوییم «آب در ۱۰۰ درجه می‌جوشد» دارای اعتبار بینادهنی است، به این دلیل است که می‌توان به نحوی عینی صحت و سقم آن را سنجید. البته نمی‌توان برای تمامی احکامی که در خصوص امور خارجی بیان می‌شوند اعتبار بینادهنی قائل شد. به عنوان مثال این که «غذایی خوشمزه است» فاقد اعتبار بینادهنی است هر چند در مورد امری خارجی، یعنی نوعی غذا، بیان شده است. چنین احکامی بر پایه تجربه شخصی فرد بنا می‌شوند و سوژکتیو هستند. اما پرسش این است که در جهت مخالف آیا آنچه دارای اعتبار بینادهنی است حتماً در مورد امری خارجی است؟ دیدیم که پاسخ کانت منفی است. از نظر او قضاوت زیباشناختی هم سوژکتیو است و هم دارای اعتبار بینادهنی. فلورین کووا<sup>۸</sup> در مقاله‌ای به نام «فراتر از اعتبار بینادهنی، پژوهش‌های تجربی اخیر در خصوص ماهیت قضاوت زیباشناختی» به رد نظر کانت می‌پردازد. ردیه او برآمده از دسته‌ای پژوهش‌های تجربی است که خود او برخی از آنها را انجام داده است. وی ابتدا نشان می‌دهد، که برخلاف نظر کانت، عموم مردم برای داوری‌های زیباشناختی اعتبار بینادهنی قائل نیستند. سپس به این پرسش پاسخ می‌دهد که اگر قضاوت مذکور دارای اعتبار بینادهنی نیست پس چگونه است که مردم معتقدند ذائقه خوب و بد زیباشناختی وجود دارد و می‌توان در مورد آثار زیبا بحث‌های کارشناسانه و ذوقی انجام داد؟ نویسنده برای پاسخ به این پرسش دو مسئله جداگانه را مطرح می‌کند: اول اینکه تا چه حد اطلاعات پیرامون یک ابژه زیبا در قضاوت زیباشناختی تأثیر دارد و دیگر اینکه آیا ممکن است قضاوت زیباشناختی را نه براساس تجربه خود، که بر اساس تجربه دیگران انجام شود؟ (Cova, 2019, 10-12).

#### • پژوهش‌های کووا و پین در سال ۲۰۱۲

در سه پژوهش جداگانه نیکولاس پین و فلورین کووا سعی کردند نشان دهند که پیش‌فرض اصلی کانت مبنی بر اینکه

حکم» از این نظر دفاع کرد. وی دو شرط اساسی و ضروری سوژکتیویته و کلیت را برای داوری ذوقی برمی‌شمرد (شلی، ۱۳۹۵، ۳۵).

چنانکه معروف است کانت در کتاب «نقد قوه حکم<sup>۱</sup>» چهار مقوله کلی برای حکم زیباشناختی قائل می‌شود. حکم درباره زیبایی از حیث کیفیت فاقد علاقه<sup>۲</sup> است؛ از حیث کمیت رضایت همگانی را با خود دارد؛ از حیث نسبت مبنای خود را در غایت‌مندی بدون غایت می‌یابد و از حیث جهت حکم ذوقی ضروری است و دارای خاصیت انتقال‌پذیری. ضرورت حکم ذوقی ضرورتی مشروط و منوط است به پیش‌فرض وجود یک حس مشترک<sup>۳</sup> (دیتز، ۱۳۸۲، ۱۳۳). کانت معتقد است داوری ذوقی تأملی<sup>۴</sup> است نه عملی و لذت از زیبایی با علاقه و نفع شخصی همراه نیست. به عبارت دیگر احکام زیباشناختی سوژکتیو هستند و مبنایی جز احساس لذت و الم ندارند (ضیاء شهابی، آریان‌پور، حسینی و جعفری، ۱۳۹۶، ۷۳). لذا حکم زیباشناختی دال بر هیچ‌چیزی در عین نیست. «برای تشخیص اینکه چیزی زیباست تصور را به کمک فاهمه، نه به عین برای شناخت بلکه به کمک قوه متخیله به ذهن و احساس لذت و الم آن نسبت می‌دهیم. لذا حکم ذوقی، نه حکمی شناختی، که زیباشناختی و مبنای آن ذهنی است» (کانت، ۱۳۸۳، ۹۹). اگر رضایتی که از چیز در خود حس می‌کنیم منجر به ایجاد علاقه‌ای در ما شود به نحوی که وجود آن برای ما مهم باشد آن چیز نه زیبا، که مطبوع یا خیر است. مطبوع و خیر هر دو پیوندی با علاقه، و نسبتی با میل دارند. در مقابل، حکم ذوقی صرفاً مشاهده‌ای است و با بی‌تفاوتی نسبت به وجود یک عین، سرشت آن را با احساس لذت و الم می‌سنجد (شفر، ۱۳۸۵، ۶۹). کانت در نکته دوم کتاب نقد قوه حکم: حکم ذوقی بر اساس کمیت، زیبا را چیزی می‌نامد که بدون حضور مفهوم رضایت همگانی را ایجاد کند. وی معتقد است هرکس بدون علاقه در مورد عینی حکم به زیبایی کند، چون شخص داوری‌کننده کاملاً فارغ از تمایل و علاقه است، لذا خود را کاملاً آزاد می‌پندارد و این حکم را از همگان طلب می‌کند (کانت، ۱۳۸۳، ۱۱۰). این دعاوی کانت مسئله‌ای را بنا نهاد که همچنان پس از سال‌ها در بین فیلسوفان و نظریه‌پردازان زیبایی مطرح است و مخالفان و موافقان خود را دارد. مسئله این است که ۱- چگونه احکام ذوقی می‌توانند هم سوژکتیو باشند و هم دارای اعتبار همگانی، ۲- چگونه ممکن است میان امر زیبا و امر مطبوع تفاوتی متمایزکننده برقرار کرد (بووی، ۱۳۸۶، ۳۳-۴۰). مقاله حاضر به طرح این دو مسئله در ادبیات معاصر زیباشناسی آزمایشی می‌پردازد. ابتدا در بخش دوم خواهیم دید که در کارهای اخیر که در زیباشناسی آزمایشی انجام شده است اعتبار همگانی داوری‌های زیباشناختی نقد شده

یکی اثر هنری را برای دیگران الزامی نمی‌دانستند. در پاسخ به این نقد پژوهش‌های مشابهی در بخش‌های مختلفی از جهان، از جمله در ایران، انجام دادند و نتایج قبلی تکرار شد. اما کماکان نقد دیگری می‌تواند طرح شود. شاید اگر یکی از طرف‌های مخالف بر سر داوری ذوقی، خود فرد باشد کمتر با مدارا برخورد کند و در آن صورت بر این باور باشد که داوری ذوقی او درست است و دیگران، اگر از ذوق مناسب برخوردار باشند، اعتبار حکم او را زیر سؤال نمی‌برند. در سنجش این فرضیه آزمایش دیگری انجام شد.

در پژوهش دوم، طی آزمایشی ابتدا از افراد خواسته شد دو نفر را تصور کنند که یکی صدای بلبلی را زیبا می‌داند و دیگری با او موافق نیست. همانطور که در آزمایش قبل نیز دیدیم در این مورد نیز اکثر داوطلبان گزینه چهار را انتخاب کردند که نشان می‌دهد داوطلبان معتقد بودند اعتبار بینادهنی برای قضاوت زیباشناختی وجود ندارد. در ادامه از داوطلبان خواسته شد چیزی را که شخصاً زیبا می‌دانند شرح دهند و سپس کسی را تصور کنند که با قضاوت ایشان مخالف است. اما نتیجه حاصل از این آزمایش هم مشابه موارد قبلی بود (ibid, 15-18). بنابراین حتی اگر خود افراد یکی از طرف‌های اختلاف نظر در سنجش اعتبار حکمی زیباشناختی بودند باز هم رأی به عدم اعتبار بینادهنی می‌دهند.

شاید هنوز محل تردید باشد که از اینکه اکثر داوطلبان در قضاوت‌های زیباشناختی گزینه یک را انتخاب نکردند به سرعت بتوان نتیجه گرفت که قضاوت زیباشناختی فاقد اعتبار بینادهنی است. به همین منظور آزمایش‌های دیگری نیز انجام شد اما نتایج قبلی تکرار شد. در یکی دیگر از آزمایش‌ها (پژوهش سوم) از داوطلبان خواسته شد سه حالت زیر را در نظر آورند:

چیزی را تشریح کنید که الف. زیبا، ب. مطبوع یا ج. ساخته شده از فلز باشد. حال تصور کنید کسی با شما مخالفت می‌کند و می‌گوید این زیبا نیست، مطبوع نیست، یا ساخته شده از فلز نیست.

سپس از آنها پرسیدند به نظر شما کدام یک از گزینه‌های زیر این وضعیت را بهتر تشریح می‌کند؟

۱. یکی از شما درست می‌گوید و دیگری نادرست.

۲. هر دوی شما درست می‌گویید.

۳. هر دوی شما نادرست می‌گویید.

۴. هیچکدام نه درست می‌گویید و نه نادرست.

و در پرسشی دیگر از آنها پرسیدند از نظر شما کدام یک از گزینه‌های زیر به بهترین نحو دو قضاوت را تشریح می‌کند؟

۱. یک قضاوت از دیگری بهتر است.

۲. هر دو به طور مساوی خوب هستند.

وقتی قضاوت زیباشناختی انجام می‌دهیم انتظار داریم دیگران نیز قضاوت ما را تأیید کنند و به این معنا، قضاوت‌های زیباشناختی اعتبار بینادهنی دارند، پیش‌انگاشته‌ای نادرست است. این پژوهش ابتدا میان فرانسویان و سپس میان مردمی از فرهنگ‌های مختلف صورت گرفت و نتایج آن مشابه بود. اگر پژوهش‌های تجربی بین و کووا معتبر باشند نه تنها اساسی‌ترین پیش‌فرض کانت بلکه پیش‌فرض رایج بسیاری از فیلسوفان زیباشناسی را به چالش می‌کشد. بنابراین جا دارد ابتدا اشاره‌ای مختصر به این پژوهش‌های تجربی داشته باشیم.

پژوهش نخست. ابتدا از آزمودنی‌ها (دانشجویان فرانسوی) خواسته شد دو نفر را تصور کنند که در مواردی با هم اختلاف نظر دارند. مورد اول به واقعیتی خارجی مربوط می‌شد؛ مثلاً یکی می‌گفت پروست نویسنده کتاب «در جستجوی زمان از دست رفته» است و دیگری مخالف این نظر بود. مورد دوم اختلاف بر سر علاقه دو نفر بود مبنی بر اینکه مثلاً فلان غذا خوشمزه است یا نه؛ و مورد سوم اختلاف نظر دو فرد را در خصوص زیبایی یک اثر هنری مثلاً تابلوی مونالیزا بیان می‌کرد. داوطلبان باید در هر سه مورد از میان چهار گزینه زیر یکی را انتخاب می‌کردند:

۱. یکی از آن دو درست می‌گوید و دیگری نه.

۲. هر دو درست می‌گویند.

۳. هیچ کدام درست نمی‌گویند.

۴. هیچ کدام نه درست می‌گویند و نه نادرست. در مواردی از این دست بی‌جاست از درستی<sup>۱۰</sup> یا نادرستی صحبت شود. مطابق نظر کانت بیشتر آزمودنی‌ها در مورد اول باید گزینه‌های اول را بیش از سایر گزینه‌ها انتخاب کنند. (یا پروست نویسنده در جستجوی زمان از دست رفته یا نه.) اما کانت معتقد است دوفنر می‌توانند در مورد امری سوپژکتیو مانند خوشمزه بودن غذایی خاص اختلاف نظر داشته باشند و بنابراین نباید گزینه نخست را انتخاب کنند. تا اینجای کار نتایج پژوهش سخن کانت را تأیید می‌کرد.

نکته جالب در مورد داوری زیباشناختی بود که آزمودنی‌ها برخلاف نظر کانت که پیش‌بینی می‌کند گزینه اول بیشترین رأی را بیاورد، گزینه اول را انتخاب نکردند. آزمودنی‌ها در اختلاف نظر هنری نیز، همانند اختلاف نظر درباره خوشمزه بودن یک غذا، گزینه چهارم را بیش از گزینه نخست برگزیدند. به عبارتی پژوهش نشان می‌داد که داوری زیباشناختی فاقد اعتبار بینادهنی است.

پژوهش‌گران زیباشناسی آزمایشی خود در مقام ناقد حاضر شدند و پیش‌دستانه به برخی از نقدها پاسخ گفتند. نخست آنکه شاید دانشجویان فرانسوی از روحیه تساهل بالایی برخوردارند و به همین دلیل نیز پذیرش احکام ذوقی در باب

۳. هیچ کدام.

همسو با پژوهش‌های قبل، الگوهای پاسخ‌گویی در خصوص حالاتی که از زیبا و مطبوع سخن گفته می‌شد مشابه هم بودند اما کاملاً در تعارض با حالتی قرار می‌گرفتند که از امری عینی، مانند اینکه آیا چنگال از فلز ساخته شده است یا نه، سخن می‌رفت. تا اینجا شواهد تجربی علیه کانت هستند. فرض کنید پذیرفتیم که قضاوت زیباشناختی از اعتبار بینادذهنی برخوردار نیست. اما کماکان شاهد آن هستیم که اکثر مردم بین ذوق خوب و بد تفکیک قائل می‌شوند و در مباحث زیباشناختی مشارکت می‌جویند. اکنون پرسش این است که اگر مردم می‌پذیرند که قضاوت زیباشناختی به‌سان قضاوت‌های سوپژکتیو پیرامون خوش آمدن یا نیامدن از غذاست پس چرا مردم میان قضاوت‌های زیباشناختی مختلف تفکیک کرده و یکی را خوب و دیگری را بد می‌دانند؟ در پاسخ به این پرسش نیز پژوهش‌های دیگری انجام شده است.

پژوهش چهارم: فرضیات علی در قضاوت زیباشناسانه افراد شاید قضاوت‌های زیباشناختی، به‌مثابه پیام، برای انتقال اطلاعات عرضه می‌شوند. در این صورت قضاوت زیباشناختی، همانند سایر پیام‌ها، وابسته به زمینه می‌شود و با تغییر در مخاطب و زمینه تغییر می‌کند. در این صورت قضاوت افراد براساس اطلاعاتی که دریافت می‌کنند می‌تواند متفاوت باشد. تمرکز بر محتوای ارتباطی‌ای که پشت قضاوت زیباشناختی قرار دارد، می‌تواند پاسخی باشد برای اینکه چرا برخی از قضاوت‌ها بهتر هستند. بدین‌منظور کووا آزمایشی طراحی کرد که در آن داوطلبان به دو گروه تقسیم شدند: گروه کنترل و گروه آزمایشی. به اعضای این دو گروه در مورد یک موضوع اطلاعات متفاوتی داده شد اما از آنها خواسته شد که به پرسش‌های مشابهی پاسخ دهند. آزمایش به این صورت بود: کارن و هلنا در مورد برج ایفل صحبت می‌کنند. هلنا قبلاً پاریس بوده و برج ایفل را دیده است. از نظر او برج ایفل زیباست.

به داوطلبان گروه کنترل صرفاً همین اطلاعات داده می‌شود. اما داوطلبان گروه آزمایشی اطلاعات بیشتری دریافت می‌کنند. هلنا به کارن نگفته که هروقت پاریس می‌رفته مواد روان‌گردان مصرف می‌کرده و تحت تأثیر مواد بوده است. چیزی که خود هلنا هم نمی‌داند این است که اگر هنگام تماشای ایفل مواد مصرف نکرده بود ایفل به نظرش زیبا نمی‌آمد.

وقتی از آزمودنی‌های هر دو دسته پرسیدند «آیا سخن هلنا مبنی بر اینکه «ایفل زیباست» صادق است یا کاذب؟» پاسخ‌ها تفاوت معناداری داشت. در گروه کنترل کمتر از ۱۰ درصد آزمودنی‌ها گفتند که سخنان هلنا کاذب است در حالی که در گروه آزمایش نزدیک نیمی از افراد گفتند که سخنان هلنا کاذب است. همچنین وقتی از «درستی» قضاوت هنری

هلنا سوال شد باز هم در گروه آزمایش افراد کمتری معتقد بودند که هلنا قضاوت هنری درستی داشته است (توضیح آنکه «قضاوت هنری درست» برای آزمودنی‌ها به این شکل تعریف شد که قضاوتی درست است که اگر شیئی که ادعا شده زیباست علت تجربه‌ای باشد که در حکم بیان شده).

نتایج پژوهش نشان می‌دادند که قضاوت‌های زیباشناختی نشان‌دهنده استقلال ذهنی فرد در مواجهه با ابژه نیستند. حتی نمی‌توان مدعی شد که تجربه درونی فرد را منعکس می‌کنند. در واقع در حواشی هر قضاوت زیباشناختی اطلاعاتی وجود دارد که قضاوت را تحت تأثیر قرار می‌دهند و این اطلاعات فراتر از تجربه شخص در مواجهه با ابژه زیبا هستند. این واقعیت که برخی داوطلبان قضاوت زیباشناختی را به منزله چیزی در نظر گرفتند که برخی اطلاعات در خصوص منشاء تجربه فرد را می‌رساند، این امکان را فراهم می‌کند که ممکن است قضاوت زیباشناختی نادرست نیز باشد؛ زیرا انسان‌ها می‌توانند در مورد منشاء تجربه‌های خود اشتباه کنند. به‌همین دلیل ساده معتقدیم برخی از مردم قضاوت‌های زیباشناختی بهتری دارند (ibid.). در اینجا پرسش دیگری مطرح می‌شود. آیا وقتی می‌گوییم قضاوت‌های زیباشناختی رساننده اطلاعات در خصوص تجربه زیباشناختی هستند بدین معنی است که امکان دارد کسی در قضاوت به‌جای بیان تجربه خود به بیان تجربه زیباشناختی دیگران بپردازد؟ پژوهشی در جهت پاسخ به این پرسش انجام شده است.

کووا در پاسخ مثبت به این پرسش مادری را مثال می‌زند که در حال غذا دادن به نوزاد خود است. با وجود اینکه شخصاً غذای نوزادان را دوست ندارد اما به نوزاد خود می‌گوید که غذا خیلی خوشمزه است. در واقع در این حالت مادر نه تجربه خود، بلکه تجربه کودک را بیان می‌کند. در این مواقع فرد از تجربه شخصی خود سخن نمی‌گوید بلکه از تجربه ممکن دیگران حرف می‌زند (ibid.). کووا می‌پندارد چنین چیزی در مورد احکام ذوق هم وجود دارد. در توجیه این رأی آزمایش جالبی انجام داده است.

آزمایش پژوهش پنجم، به این صورت است که به آزمودنی‌ها می‌گوید:

سارا مادر دو دختر دوقلو به نام‌های آنا و کلر است. مادر بزرگ این دو کودک برای روز تولدشان عروسک بسیار بزرگی کادو می‌گیرد و می‌فرستد، از نظر سارا عروسک بسیار زشت است، اما می‌داند آنا از عروسک خوشش خواهد آمد و کلر نه. سارا عروسک را در اتاق خواب دخترها می‌گذارد. آنا زودتر از کلر از مدرسه برمی‌گردد. سارا به او می‌گوید «چیز زیبایی در اتاق خوابت است».

پرسش اول: وقتی سارا به آنا می‌گوید چیزی زیبا در اتاق خوابت است، درست می‌گوید یا نادرست؟



درست می‌گوید.

۱. نادرست می‌گوید اما معتقد است درست می‌گوید.

۲. نادرست می‌گوید و می‌داند که نادرست می‌گوید.

۳. چیزی که می‌گوید نه درست است نه نادرست.

پرسش دوم: چقدر با این اظهار نظر موافق هستید؟ «وقتی سارا به آنا می‌گوید چیزی زیبا در اتاق خواب است به او دروغ می‌گوید.»

چند دقیقه بعد کلر می‌رسد و سارا به او می‌گوید «باید نگاهی به اتاق خوابت بیندازی چیز زیبایی انتظار تو را می‌کشد.»

بار دیگر از آزمودنی‌ها پرسش‌هایی، این بار در مورد کلر، پرسیده می‌شود.

نتایج جالب توجه است. داوطلبان معتقد بودند مادر به کلر دروغ گفته ولی به آنا خیر. نتایج به این معنی است که ادعای زیباشناسانه سارا بسته به اینکه مخاطب او چه کسی بوده می‌توانسته درست یا نادرست باشد. به عبارت دیگر قضاوت زیباشناختی فقط تجربه سوپرکتیو خود فرد را منعکس نمی‌کند. وقتی فرد قضاوت زیباشناختی انجام می‌دهد، معمولاً در مورد تجربه زیباشناختی خود صحبت نمی‌کند، بلکه ممکن است از تجربه زیباشناختی خود برای بیان تجربیات دیگران استفاده کرده باشد.

بنابراین می‌توان نتایج پژوهش‌های یادشده را این گونه خلاصه کرد. نخست آنکه قضاوت‌های زیباشناختی فاقد اعتبار بینادهنی هستند. تا اینجا، برخلاف نظر کانت، شبیه قضاوت در مورد امور مطبوع هستند. اما کماکان می‌توان گفت همه قضاوت‌های زیباشناختی در یک سطح نیستند. اینجاست که فهمیدیم احکام زیباشناختی به دو شیوه به کار می‌روند: یا برای رساندن اطلاعاتی که ابژه‌ای خاص، در فرد، حین تجربه‌ای زیباشناختی ایجاد می‌کند؛ یا برای بیان تجربه‌ای که احتمالاً در مخاطب ایجاد خواهد شد. منتقدان ادبی و سینمایی از این شیوه اخیر برای بیان تجربیات زیباشناسانه خود استفاده می‌کنند (ibid, 30). بنابراین زیباشناسی آزمایشی و تجربی افق‌های جدیدی را پیش روی فیلسوفان هنر می‌گشاید. اما همانند هر نظر فلسفی مخالفان خود را نیز دارد. برای آشنایی با نظر یکی از مخالفان، که نام‌آشنا تر از سایرین نیز است، نیک زنگویل<sup>۱۱</sup> را برگزیده‌ایم و در بخش بعد نقدهای او را معرفی می‌کنیم.

### امر زیبا و امر مطبوع: نقدی بر زیباشناختی تجربی

نیک زنگویل در مقاله‌ای با عنوان «امر زیبا و امر مطبوع: نقدی بر زیباشناختی تجربی»<sup>۱۲</sup> در دفاع از کانت، روش‌ها و نتایج زیباشناختی تجربی را نقد می‌کند. در اینجا

مهم‌ترین نقدهای او را به‌طور خلاصه معرفی می‌کنیم و در بخش بعد به ارزیابی نقدها می‌پردازیم. هرچند خود زنگویل نقدهایش را از هم متمایز نمی‌کند و آنها را تاحدی آمیخته عرضه می‌کند اما برای بررسی دقیق‌تر، نقدهای او را در دو دسته کلی قرار می‌دهیم. در دسته نخست زنگویل زیباشناسان آزمایشی را متهم می‌کند که خوانش ناقصی از زیباشناسی کانت دارند و به‌عنوان شاهدی بر این ادعا به بخش‌هایی از زیباشناسی کانت می‌پردازد که معتقد است از منظر زیباشناسان آزمایشی مغفول مانده است. دسته دوم نقدها به خود آزمایش‌ها مربوط است و ناکارآمدی‌هایی را در متن آزمایش‌ها تشخیص می‌دهد.

### • نقدهای دسته اول: زیباشناسی کانت بیش از چیزی

#### است که در آزمایش‌ها دیده می‌شود

از منظر زنگویل کانت درصدد پاسخ‌دادن به این پرسش است که چطور از لذت حاصل از امر زیبا انتظار توافق همگانی می‌رود، ولی از لذت حاصل از امر مطبوع خیر؟ تفاوت در کجاست؟ زنگویل معتقد است از جمله جنبه‌هایی از زیباشناسی کانت که در فلسفه آزمایشی مغفول مانده رابطه لذت با میل<sup>۱۳</sup> است. در امر مطبوع لذت ارتباطی درونی با میل دارد در صورتی که لذت حاصل از امر زیبا بی‌غرض<sup>۱۴</sup> است.

همچنین کانت میان این دو تفاوت دیگری نیز می‌دید که در مطالبه هنجاربنیاد<sup>۱۵</sup> وجود دارد. در قضاوت امر زیبا تصدیق و موافقت همگان طلب می‌شود در صورتی که در قضاوت امر مطبوع چنین مطالبه‌ای نیست. نزد زیبایی‌شناسان معاصر اصطلاح هنجاربنیاد در قالب دو پرسش طرح می‌شود: یک: آیا قضاوت امر زیبا ادعای گونه‌ای خاص از صحت<sup>۱۶</sup> و اعتبار را دارد که قضاوت امر مطبوع فاقد آن است؟ یا اینکه، دو: قضاوت‌های خاصی از زیبایی وجود دارد که تصور می‌شود فرد باید (یا نباید) آن قضاوت‌ها را داشته باشد؛ درحالی که در قضاوت امر مطبوع چنین بایدها و نبایدهایی وجود ندارد؟ به عبارت دیگر، آیا می‌توان مانند هیوم به «معیار ذوق»<sup>۱۷</sup> معتقد بود؟ اگر الزام و معیاری برای زیبایی وجود دارد، آن معیار چیست؟ «کانت» معتقد بود فقط اخلاق دارای الزام‌هایی است که برای تمامی موجودات عقلانی صدق می‌کند. این الزام‌ها را در حوزه زیباشناختی نمی‌توان به‌کار گرفت و تنها نزد کسانی مشترک هستند که تجربه‌های ادراکی و یا حساسیت‌های مشترک دارند. «ندای جهانی» قضاوت زیباشناختی فقط کسانی را به هم پیوند می‌زند که حساسیت‌های مشابه را به‌اشتراک گذاشته باشند. زنگویل برای توضیح مطلب از این مثال استفاده می‌کند که اگر در عالم، موجودات عقلانی دیگری نیز وجود داشته باشند که از جنس انسان

### • نقدهای دسته دوم (روش‌شناسی آزمایش‌ها ایراداتی دارد)

زنگویل در ادامه مقاله به بررسی دستاوردها و روش‌های زیبایی‌شناسی تجربی در خصوص رد ادعای کانت می‌پردازد و روش کووا<sup>۲۱</sup> و پین<sup>۲۱</sup> را تحلیل می‌کند. زنگویل می‌پذیرد که پاسخ به این پرسش را که تفاوت هنجاربنیاد میان امر زیبا و امر مطبوع وجود دارد یا نه باید بتوان از طریق فلسفه آزمایشی<sup>۲۲</sup> به دست آورد. اما به داوری زنگویل روش‌های تجربی به کار گرفته شده، تاکنون دارای اشکالات و نقایص بنیادی است.

نقد نخست: به عنوان نمونه زنگویل معتقد است گزینه چهار در پژوهش نخست (هیچ کدام نه درست می‌گویند و نه نادرست. در مواردی از این دست بی‌جاست از درستی یا نادرستی صحبت شود. هرکس عقیده شخصی خود را دارد) ایرادهایی دارد؛ از جمله اینکه در آن هنجارمندی قضاوت زیبایی‌شناسانه به خوبی مشخص نشده است؛ هدف به درستی تعیین نشده است؛ شرح آنان از ادعاهای هنجاربنیاد در پرسش کافی نیست. زنگویل گزینه چهار را شامل سه ایده مختلف می‌داند که همگی در غالب یک گزینه به داوطلبان عرضه شده و موجبات سرگشتی آنان را فراهم کرده است. این سه ایده عبارت‌اند از: نه کسی درست می‌گوید و نه کسی نادرست؛ در این وضعیت نمی‌توان از واژه صحت استفاده کرد؛ هرکس عقیده خود را دارد.

زنگویل می‌گوید کسانی که دستی در مباحث شناخت‌شناسی دارند می‌دانند که صحت با توجیه<sup>۲۳</sup> تفاوت دارد اما در این پژوهش‌های زیبایی‌شناسی مرز آنها خلط شده است. زنگویل برای توضیح این مطلب بطلمیموس را مثال می‌زند که توجیه‌های ریاضیاتی مناسبی برای نظریه زمین‌مرکزی داشت ولو امروزه می‌دانیم این نظریه صحیح نیست. در این پژوهش‌ها خلطی میان صحت یک قضاوت و دلیل‌آوری یک شخص خاص برای آن قضاوت وجود دارد. این امر زمانی بارزتر است که افراد غیرحرفه‌ای مورد پرسش هستند. اینکه می‌گوییم «فردی درست می‌گوید» به چه معنی است؟ صحت به چیزی برمی‌گردد که مورد قضاوت قرار می‌گیرد و نه به خود قضاوت. اما دلیل‌آوری به فرد برمی‌گردد و نه به چیزی که مورد قضاوت قرار گرفته است.

نقد دوم: ایراد دوم آنکه وقتی داوطلبان به فرهنگ‌های مختلفی تعلق داشته باشند توجیه قوی‌تری برای سخنان ایشان فراهم نمی‌کند زیرا دریافت انسان‌ها در فرهنگ‌های مختلف از مفاهیم مندرج در پرسش‌ها می‌تواند متفاوت باشد.

نقد سوم: استفاده از مثال‌های خیالی موضوع را مبهم

نباشد، مانند فضایی‌ها یا فرشتگان، بنابه قوانین عقل باید الزام‌های اخلاقی مشترکی با انسان داشته باشند اما چون از حساسیت‌های ما برخوردار نیستند قضاوت‌های زیبایی‌شناختی مشابه انسان نخواهند داشت. کانت در اینجا به درستی میان اخلاق و زیبایی‌شناسی تمایز قائل شده است، اخلاق و زیبایی‌شناسی در محدوده مطالبه هنجارمند باهم تمایز دارند بنابراین زیبایی‌شناسی و اخلاق یکی و یکسان نیستند (Zangwil, 2019, 289). مسئله دیگر این است که چرا انسان باید الزام‌های زیبایی‌شناسانه داشته باشد؟ مسائل زیبایی‌شناسانه و پایبندی به هنجارمندی زیبایی‌شناختی امری است که در زندگی روزمره انسان نقش قابل توجه‌ای ایفا می‌کند. بسیاری از مردم در قضاوت‌های زیبایی‌شناسانه‌شان کاملاً پایبند هنجارها هستند بدون آنکه عملاً از وجود آن آگاه باشند. حتی هنجارمندی در مورد امر مطبوع نیز وجود دارد و بسیار قدرتمندتر از آن چیزی است که تا به حال تصور می‌شده. آموزش‌ها، تمرین‌ها، و فرهنگ‌سازی‌های مختلفی برای ذائقه وجود دارد. زنگویل بیان می‌کند اگر با دید کانت به این قضیه بنگریم خواهیم گفت که اینکه روغن زیتون یونان نزد اکثریت مردم و کارشناسان بهترین طعم را دارد دارای اعتبار عمومی است ولی دارای اعتبار جهان‌شمول نیست یعنی نیاز به توافق همگانی در امر زیبا با اهمیت‌تر است تا امر مطبوع (درحالی‌که در آزمایش‌های یادشده تمایز اعتبار عمومی و جهان‌شمول خلط شده است). اگر حکم کنیم غذایی خوشمزه است با خوردن مقدار زیادی از آن دیگر به نظمان خوشمزه نخواهد بود و حتی از آن احساس انزجار می‌کنیم. البته تنوع‌طلبی در زیبایی هم وجود دارد. ممکن است گل‌های منزل‌مان بعد از مدتی یکنواخت به نظر آیند و یا موسیقی باخ کسل‌کننده به نظر رسد، اما هرگز از آنها احساس انزجار نخواهیم کرد. ممکن است حکم پیشین خود را ناشی از قضاوتی سطحی یا اشتباه بدانیم، درحالی‌که انزجار در مورد امر مطبوع بسیار پیش می‌آید. خلاصه اینکه احساس لذتی که از امر زیبا حاصل می‌شود به نحوی بنیادی با احساس لذت مطبوع تفاوت دارد و از نوع دیگری است. به علاوه مطالبه هنجارمندی که از این دو قضاوت می‌شود نیز متفاوت است. قضاوت امر زیبا دارای ویژگی‌ای است که امر مطبوع فاقد آن است و این ویژگی مشخصه خواست<sup>۱۸</sup> هنجاربنیاد است. بدین معنی که قضاوت‌های زیبایی‌شناختی ادعای صحت<sup>۱۹</sup> دارند. ادعای صحت یعنی قضاوت در خصوص زیبایی و زشتی می‌تواند صحیح یا غلط باشد. زنگویل معتقد است اما چیزی که زیبایی‌شناسان آزمایشی باید به آن توجه کنند این است که تنها ویژگی قضاوت زیبایی‌شناختی صحت نیست بلکه بی‌علاقگی هم هست (ibid, 291).

از آن و سوم پیچیدگی بیان ماهیت یک تفکر از طریق واژه‌ها.

خودشناسی در اولین معنای خود به معنی از پس کارهای روزمره زندگی برآمدن است مانند راه رفتن، خواندن، دوچرخه سواری و اعمالی از این قبیل. فردی ممکن است به خوبی دوچرخه سواری کند و یا روزانه مدت زیادی را به پیاده روی بگذراند، اما اگر در پرسش‌نامه‌ای از وی پرسیده شود پیاده روی یعنی چه و یا فرق پیاده روی خوب و بد چیست، امکان دارد نتواند پاسخ قاطع دهد زیرا بسیاری از مردم اصلاً نمی‌دانند در مورد کارهایی که به طور عادی انجام می‌دهند چه فکر می‌کنند. حال اگر در مورد موازین و مفاهیم اخلاقی و هنری از آنها پرسیده شود به طور حتم از پس توضیح آن بر نمی‌آیند. از متخصصان صاحب فن و کارشناسان هنری باید انتظار داشت در مورد مسایل هنری صاحب نظر و اصول باشند اما دقیقاً همین انتظار را نمی‌توان از مردم عادی داشت. ممکن است انسان‌های عادی از وجه مفهومی امر زیبا شناخت داشته باشند اما توضیح دقیق این وجه مفهومی را ندانند. قضاوت‌های زیباشناختی موضوعات هنجارمندی مفهومی‌اند و ممکن است انسان از طریق تأمل و تحلیل مفهومی به چنین قضاوتی برسد اما ماهیت عمیق آن حتی با تمرین و تأمل‌های مفهومی هم بر فرد آشکار نمی‌شود. صرف نظر از ماهیتی عمیق که نامکشوف می‌ماند، وجه مفهومی تفکر انسان ممکن است به شیوه‌های ضمنی فهمیده شده باشد. به عنوان مثال خواست هنجارمندی ممکن است بدون آنکه فرد دانش قابل اتکایی از آن داشته باشد به طور ضمنی پیش‌فرض‌های تفکر زیباشناختی او را ساخته باشد. احتمال اینکه فردی فرا-باور داشته باشد بسیار زیاد است اما چنین فرا-باورهایی اختلالی در دوچرخه سواری او ایجاد نمی‌کند اما در قضاوت‌های مفهومی او تأثیرات ژرفی دارد. مردم غالباً هنجارهایی که افکارشان را شکل داده است انکار می‌کنند. اما بسیاری از هنجارهایی که آگاهانه انکار می‌شود در ناخودآگاه حضوری فعال دارد. هنجارها حتی اگر مردم از آنها آگاه نباشند بر رفتار ذهنی و جسمی حکومت می‌کنند. مثال درد را در مقاله زنگویل در نظر بگیریم؛ مردم درد را می‌شناسند اما آیا عقیده آنها در خصوص درد وقتی وارد پرسش‌نامه‌ای فلسفی شود قابل اتکاست؟ یعنی درد داشتن به معنای شناخت فلسفی درد است؟ چرا باید به تأملات غیرحرفه‌ای مردم در خصوص کاری که انجام داده یا چیزی که می‌دانند اهمیت داد؟ شاید مردم شناختی تجربی و عملی از درد داشته باشند اما آنها فیلسوف نیستند. پژوهشی صورت گرفت که در آن مبحث نگرش خام میان دانشجویان

می‌کند. آیا در حالت واقعی نیز انتخاب گزینه‌ها از طرف داوطلبان به همین صورت خواهد بود؟ (ibid, 292-294).  
نقد چهارم: ایراد دیگری که زنگویل به این سنخ پژوهش‌ها می‌گیرد این است که اثبات اینکه مردم به هنجارهای خاصی اعتقاد دارند یا نه از طریق تجربی پیچیده و سخت است. هنجارهایی که تفکر مردم را تشکیل می‌دهند چیزی است و تبعیت از آنها چیزی دیگری. زنگویل در توضیح این مطلب دزدی را مثال می‌زند که اگر از او پرسیده شود «دزدی کار خوبی است؟» خواهد گفت خیر، از نظر اخلاقی نادرست است.

نقد پنجم: ماهیت یک نوع تفکر یا تفاوت میان دو گونه تفکر به راحتی در واژه‌ها بیان نمی‌شود. زبان ممکن است تفکر را پنهان کند و یا دست‌کم آن را نشان ندهد. یعنی تفاوت میان دو مفهوم به راحتی در زبان بیان نمی‌شود (ibid, 297).

نقد ششم: مشخصه بارز فلسفه آزمایشی استفاده از پرسش‌نامه است. زنگویل نقدهایی عام‌تر به کل فلسفه آزمایشی دارد و استفاده آن از پرسش‌نامه را نیز نقد می‌کند. غالباً فرض بر این است که مفاهیمی در پرسش‌نامه مطرح می‌شود که شناخته شده و پذیرفته شده هستند. زنگویل از اساس این پرسش را مطرح می‌کند که چرا باید آنچه مردم در پرسش‌نامه می‌گویند مهم باشد؟ بسیار پیش می‌آید که مردم تنها محض رضایت پرسش‌گر پرسش‌نامه را پر کنند. ممکن است اصلاً پاسخ را ندانند و چیزی از خودشان درآورند. زنگویل اعتقادی به این که پرسش‌نامه‌ها منعکس‌کننده عقیده واقعی مردم است ندارد. وی در نقد روش پرسش‌نامه‌ای کووا و پین به مسائلی اشاره می‌کند که از آنها غفلت شده است. اول اینکه باید پرسش‌نامه تمامی جنبه‌های یک موضوع را تحت پوشش قرار داده باشد. در انتخاب گزینه‌های پرسش‌نامه‌ها دقت کافی به کار گرفته نمی‌شود. گزینه‌های ارائه شده در پرسش‌نامه‌ها ممکن است نگرش خاصی را تحمیل کنند. میان گزینه‌های پرسش‌نامه‌ها ممکن است هم‌گرایی وجود داشته باشد که در این صورت نتیجه دقیق نخواهد بود. پرسش‌نامه خوب نیاز به غربالگری علل خارجی دارد.

نقد هفتم: مورد دیگری که زنگویل بر آن به عنوان نقص روش پرسش‌نامه‌ای بیان می‌کند برمی‌گردد به افرادی که پرسش‌نامه‌ها را پر می‌کنند. وی این مطلب را تحت عنوان فقدان خودشناسی عنوان می‌کند. وی فقدان خودشناسی را در سه جنبه مختلف بررسی می‌کند، اول عدم شناخت هنجارمندی‌هایی است که تفکر ما را تشکیل می‌دهند. دوم تفاوت میان قبول ذهنی یک هنجار و تبعیت عملی



زیباشناسی انجام شده است و جالب آنکه این پژوهش‌ها در تأیید این بخش از نظریه کانت است. یافته‌ها نشان می‌دهند که مسیرهای آزادسازی هورمونی مربوط به خواستن و لذت بردن با هم متفاوت‌اند. معمولاً از چیزی لذت می‌بریم که آن را می‌خواهیم و چیزی را می‌خواهیم که از آن لذت ببریم. اما ضرورتاً این دو همواره با هم نیستند. افرادی که به درجات بالای اعتیاد می‌رسند میل به مواد مخدر دارند بدون آنکه از آن لذتی ببرند. نقطه مقابل آن را در تجربه‌های زیباشناختی رصد کرده‌اند. در تجربه زیباشناختی هورمون‌های مربوط به خواستن فعال نمی‌شوند و بنابراین میلی بدنی ایجاد نمی‌شود. اما هورمون‌های مربوط به لذت ترشح می‌شوند. این بدان معناست که شواهد تجربی در تأیید سخن کانت که تجربه زیباشناختی واقعی با لذت بی‌غرض همراه است وجود دارد. زنگویل به چنین پژوهش‌هایی اشاره ندارد. اما اگر به این پژوهش اشاره داشت می‌توانست پیشنهاد بهتری عرضه کند: اینکه باید مجموعه‌ای از پژوهش‌های آزمایشی مختلف را در کنار هم قرار داد تا به تصویر بهتری از زیباشناسی کانت رسید. اما آیا چنین چیزی لازم است؟ آیا زیست‌شناسی می‌تواند در فهم بهتر زیباشناسی کانت کمک کند؟ هانا گینزبورگ، از شارحان بنام کانت در حوزه زیباشناسی به این پرسش پاسخ مثبت می‌دهد (Ginsborg, 2019, 132-140). کانت مهم‌ترین سخنان خود در باب زیباشناسی را در «نقد قوه حکم» بیان می‌دارد؛ کتابی متشکل از دو بخش، بخش نخست در باب زیباشناسی و بخش دوم درباره غایت‌شناسی در زیست‌شناسی. این کتاب از آثار دوران پختگی کانت است. تا حدود سال‌های ۱۹۹۰ این پرسشی رازآمیز در میان کانت‌شناسان بود که چطور می‌توان میان این دو بخش مجزای کتاب رابطه برقرار کرد و چرا کانت این دو بخش را در دو کتاب مجزا چاپ نکرده است (کورنر، ۱۳۸۰، ۱۲۳-۱۲۵). اما از این زمان بود که برخی کانت‌شناسان به این فکر افتادند که شاید ارتباطی وثیق میان این دو بخش برقرار باشد. بنابراین احتمالاً خود کانت نیز اگر امروزه زنده بود مخالف انجام پژوهش‌های زیست‌شناختی در حوزه زیباشناسی نبود.

#### • تحلیل نقدهای دسته دوم زنگویل

نقدهای دسته دوم زنگویل به‌رغم تعدد آنها به قوت نقدهای دسته نخست او نیستند. برخی از آنها ناشی از سوءبرداشت‌ها از روش علمی یا مخالفت‌هایی بدون ارائه دلایل قوی هستند و البته برخی دیگر نقدهایی قابل تأمل. به برخی از آنها اشاره می‌کنیم. نقد نخست زنگویل مبنی بر آنکه گزینه‌های پرسش‌نامه‌ها

جدیدالورود بررسی شد. به دانشجویانی که درس اخلاق مقدماتی داشتند در اول ترم پرسش‌نامه‌ای داده شد که در آن نظر خود در مورد اخلاق را بیان کنند. برخی از دانشجویان غیر مذهبی ابتدای ترم معتقد بودند که درست و غلط در مورد عقاید اخلاقی وجود ندارد. اما در پایان ترم به دیدگاه‌های اخلاقی محکمی چسبیدند چرا که به‌مرور فهمیدند که اعتقاد به اینکه درست و غلط در اخلاق وجود ندارد، مساوی است با از دست دادن قدرت قضاوت. دانشجویان در ابتدا مدعی بودند که فرانگرش اخلاقی وجود ندارد در صورتی که از همان ابتدا تساهل را خوب و عدم تساهل را بد می‌دانستند.

#### تحلیل نقدهای وارد بر زیباشناسی آزمایشی

نقدهای زنگویل، همانند آزمایش‌های کووا و پین، نه تنها به فهم بهتر ما از زیباشناسی کانت کمک می‌کنند بلکه افق‌های جدیدی را پیش روی فیلسوفان زیباشناسی قرار می‌دهند که تا قبل از طرح زیباشناسی آزمایشی ناشناخته بودند. با نقادی‌ها و آزمایش‌های جدیدی که در پاسخ به این نقادی‌ها طرح می‌شوند شاهد گسترش بیشتر زیباشناسی خواهیم بود. در این قسمت تلاش خواهد شد تا پاسخی‌هایی از جانب فیلسوفان آزمایشی به نقدهای زنگویل عرضه شود.

#### • تحلیل نقدهای دسته نخست زنگویل

سخن زنگویل پذیرفتنی است که در پژوهش‌های آزمایشی یادشده تنها بخشی از زیباشناسی کانت بررسی شده است. بنابراین نباید نقدی که پژوهش‌های یادشده به اعتبار بیناذهنی حکم زیباشناختی وارد می‌کنند را متوجه کل زیباشناسی کانت دانست. اما توجه به دو نکته ضروری است. نخست آنکه کووا و پین چنین نکرده‌اند. اتفاقاً به‌نحوی کاملاً واضح گفته‌اند که قصد آنها تنها بررسی همین نظر کانت است. اما این نباید باعث شود که نقد زنگویل نادیده گرفته شود. اینجاست که به نکته دوم می‌رسیم. سخن زنگویل آن است که نمی‌توان یک بخش از نظام زیباشناسی کانت را به‌نحوی مجزا آزمود زیرا این نظر کانت به‌لحاظ مفهومی با رأی او در باب بی‌غرضی تجربه زیباشناختی در پیوند است. بنابراین سخن زنگویل آن است که این‌گونه مدل‌سازی پژوهشی که از بخشی از نظریه کانت است نمی‌تواند به‌نحوی درخور نظریه کانت را نقد کند. این سخن تا حدی پذیرفتنی است. اما نقدی نیز بر آن وارد است. دست‌برقضا در حیطه دیگری از پژوهش‌های زیباشناسی (Chatterjee, 2014, 53-70) موسوم به عصب‌زیباشناسی پژوهش‌هایی در رابطه با مفهوم لذت بی‌غرض در



جایگزینی در اختیار روان‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی نیست. این سخن صحیح که به‌کارگیری پرسش‌نامه با مشکلاتی همراه است باعث نشده است که پرسش‌نامه‌ها نقش مهم خود را در علوم رفتاری و اجتماعی از دست دهند. در جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت که حداقل فایده پژوهش‌هایی که در زیباشناسی آزمایشی انجام شده، این است که اگر حتی با نتایج و شیوه کار آن مخالف باشیم باعث شده که زیباشناسان سنتی در پاسخ به نقدهای وارد شده، به بازخوانی فیلسوفانی مانند کانت بپردازند.

### پی‌نوشت‌ها

۱. Kritik der Urteilskraft.
۲. Interesse.
۳. Gemeinsinn.
۴. reflektierend.
۵. intersubjective.
۶. true.
۷. false.
۸. Florian Cova.
۹. right.
۱۰. correctness.
۱۱. Nick Zangwil.
۱۲. Beauty and the Agreeable: A Critique of Experimental Aesthetics.
۱۳. desire.
۱۴. disinterestedness.
۱۵. normative demand.
۱۶. correctness.
۱۷. Standard of Taste.
۱۸. aspiration.
۱۹. correctness.
۲۰. Cova.
۲۱. Pain.
۲۲. XPhi.
۲۳. justification.

### فهرست منابع

- بووی، آندرو. (۱۳۸۶). زیباشناسی و ذهنیت: از کانت تا نیچه (ترجمه فریبرز مجیدی). تهران: فرهنگستان هنر.
- دیترو، هنریش. (۱۳۸۲). تبیین کانت از داوری زیباشناختی (ترجمه مجید ابوالقاسم زاده). زیباشناخت، (۹۰)، ۱۲۳-۱۴۰.
- زنگویل، نیک. (۱۳۹۵). داوری زیباشناختی [دانشنامه استنفورد] (ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی). تهران: ققنوس.
- شفر، ژان مری. (۱۳۸۵). هنر دوران مدرن (ترجمه ایرج قانونی). تهران: آگاه.
- شلی، جیمز. (۱۳۹۵). مفهوم امر زیباشناختی [دانشنامه استنفورد] (ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی). تهران: ققنوس.
- ضیاء شهابی، پرویز؛ آریان‌پور، امیر اشرف؛ حسینی، مالک و جعفری حمیده. (۱۳۹۶). جستاری بر اندیشه‌های زیباشناسانه ایمانوئل کانت. تحقیقات مدیریت آموزی، (۲)، ۶۷-۷۸.

باید از دقت فلسفی بالاتری برخوردار باشند سخنی سنجیده است و به‌خوبی به تمایز توجیه و صحت اشاره دارد.

نقد دوم زنگویل آن بود که انسان‌های موجود در فرهنگ‌های متفاوت درک متفاوتی از مفاهیم موجود در پرسش‌نامه‌ها دارند و بنابراین نتیجه پژوهش‌های میان‌فرهنگی که نشان می‌داد افراد نقاط مختلف جهان به‌نحوی تقریباً همسان اعتباری بیناذهنی برای داوری‌های زیباشناختی قائل بودند معتبر نیست. نقدهای متعددی به این سخن وارد است. نخست آنکه با این استدلال زنگویل به‌طور کلی تمام پژوهش‌های انجام‌شده در شاخه‌هایی از علم، مانند روان‌شناسی و مردم‌شناسی میان‌فرهنگی نامعتبر می‌شوند. ممکن است زنگویل همین رأی را در مورد کل پژوهش‌های میان‌فرهنگی بپسندد. اما ایرادی منطقی نیز به این سخن زنگویل وارد است. اگر نتایج پژوهش میان‌فرهنگی انجام‌شده در سنجش اعتبار بیناذهنی داوری‌های ذوق نشان می‌داد که تفاوت‌های میان‌فرهنگی وجود دارد و عده‌ای در فرهنگ‌ها به این اعتبار قائلند و عده‌ای در فرهنگ دیگر خیر، یکی از علل می‌توانست اختلاف میان‌فرهنگی در فهم مفاهیم پرسش‌نامه‌ها باشد. اما زنگویل توجه نکرده است که نتایج آزمون‌های میان‌فرهنگی هم‌نمایی میان افراد فرهنگ‌های مختلف در پاسخ به پرسش‌ها را نشان می‌داد. این به معجزه می‌ماند که افراد فرهنگ‌های متفاوت فهم متفاوتی از مفاهیم پرسش‌نامه‌ها داشته باشند اما کماکان به‌نحوی یکسان گزینه‌ها را انتخاب کنند.

نقدهای سوم تا پنجم زنگویل محل تأمل است. ممکن است سخن زنگویل درست باشد و بهره‌گیری از مثال‌های واقعی‌تر در بستر قضاوت‌های زیباشناسانه در زندگی روزمره نتایج دیگری دهد. این پیشنهاد خوبی است که کارهای میدانی دیگری در بستر زندگی روزمره انجام شود. اما زمانی که چنین پژوهش‌هایی نتایجی در تعارض با پژوهش‌های انجام‌شده نداشته باشند، می‌توان نتایج این پژوهش‌ها را معتبر قلمداد کرد. این نقدها از این جهت که تحریک‌کننده پژوهشگران فلسفه آزمایشی برای انجام پژوهش‌هایی است که در آنها به زمینه زندگی روزمره توجه کنند و از حالت‌های انتزاعی و ساختگی دوری گزینند نقدهای مثبتی هستند.

نقدهای ششم و هفتم متوجه کاستی‌های استفاده از پرسش‌نامه است. این نقدها نیز از آنجا که دعوتی برای انجام پژوهش‌های جایگزین هستند مثبت هستند. اما این کاستی را نیز دارند که در بسیاری از موارد راهکار

Judgment. In Florian Cova and Sebastien Rehaalt (Eds.), *Advances in Experimental Philosophy of Aesthetics*. London: Bloomsbury Academic.

- Ginsborg, H. (2019). Kant's Aesthetics and Teleology. In Edward N. Zalta (Ed.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Stanford: Stanford University Press.
- Zangwil, N. (2019). Beauty and the Agreeable: A Critique of Experimental Aesthetics. In Florian Cova and Sebastien Rehaalt (Eds.), *Advances in Experimental Philosophy of Aesthetics*. London: Bloomsbury Academic.

- کانت، امانوئل. (۱۳۸۳). نقد قوه حکم (ترجمه عبدالکریم رشیدیان). تهران: نی.
- کورنر، اشتفان. (۱۳۸۰). فلسفه کانت (ترجمه عزت الله فولادوند). تهران: خوارزمی.
- Chatterjee, A. (2014). *The Aesthetic Brain, How we evolved to desire beauty and enjoy art*. Oxford: Oxford University.
- Cova, F. (2019). Beyond Intersubjective Validity: Recent Empirical Investigation into the Nature of Aesthetic



**COPYRIGHTS**

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:  
چنگیزی، پریسا؛ نودری، حسینعلی و صمدی، هادی. (۱۴۰۱). نقد زیباشناسی کانت در زیباشناسی آزمایشی: تحلیلی نقادانه. *باغ نظر*، ۱۹(۱۱۴)، ۴۱-۵۰.

DOI:10.22034/BAGH.2022.335722.5161  
URL:[http://www.bagh-sj.com/article\\_159187.html](http://www.bagh-sj.com/article_159187.html)

